

ترجمه و تبیین

مکاسب

شیخ الفقهاء من تصنی انصاری (رحمة الله علیه)

www.ketab.ir

جلد یازدهم

ترجمه و تبیین:

آیت الله محسن غرویان

سرشناسنامه	غرویان ، محسن ۱۳۳۸- ، مترجم و شارح .
عنوان قراردادی	: المکاسب . فارسی - عربی . شرح
عنوان و نام پدیدآور	: ترجمه و تبیین مکاسب شیخ الفقهاء مرتضی انصاری (رحمه الله علیه) // تبیین محسن غرویان ، محمود معتمدی ترجمه و تبیین محسن غرویان ، محمود معتمدی
مشخصات نشر	: قم ؛ دارالفکر ، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۲۲۴ ص . ج ۱۱ .
شابک دوره	: ISBN : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۱۱-۵۳-۹
شابک	: ISBN : ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۰-۰۱۷-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: انصاری ، مرتضی بن محمد امین ، ۱۲۱۴- ۱۲۸۱ ق . المکاسب - نقد و تفسیر
موضوع	: معاملات (فقه) .
شناسه افزوده	: معتمدی ، محمود ، مترجم و شرح
شناسه افزوده	: انصاری ، مرتضی بن محمد امین ، ۱۲۱۴- ۱۲۸۱ ق . المکاسب - شرح
رده بندی کنگره	: BP۱۹۰/۱۷۱۳/الف/۸م۷۰۲۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۷۲
شماره کتاب شناسی ملی	: ۱۱۳۳۴۱۴



انتشارات دارالفکر
تاسیس ۱۳۳۶

مؤسس: مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین
آقای حاج سید عبد الحمید مولانا (ره)

ترجمه و شرح مکاسب محرمة (جلد یازدهم)

مؤلف: شیخ مرتضی انصاری رحمته الله علیه
مترجم: آیه الله محسن غرویان
ناشر: انتشارات دارالفکر
چاپخانه: گلها - قم
نوبت چاپ: سوم - ۱۳۹۹
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۰-۰۱۷-۹ ISBN 978-600-270-017-9

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۱۱-۵۳-۹ ISBN 978-964-2611-53-9

دفتر مرکزی: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، مجتمع تجاری صفائیه، طبقه سوم

تلفن: ۳۷۷۳۳۶۴۵-۳۷۷۴۳۵۴۴ فاکس: ۳۷۷۳۸۸۱۴

دفتر تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری،

روبه روی اداره پست، پلاک ۱۲۴ واحدیک تلفن: ۶۶۴۰۹۳۵۲-۶۶۴۰۸۹۲۷

مقدمه کتاب

فقه زندگی و زندگی فقه!

شرح ماجرای این مجلد

قضیه جالبی است: شیخ انصاری - اعلی الله مقامه الشریف - در قرن سیزدهم و در فاصله بین سال‌های ۱۲۱۴ تا ۱۲۸۱ هجری قمری زندگی می‌کند؛ در نجف درس می‌خواند، همان‌جا تدریس می‌کند، مکاسب محرّمه و بیح و خبیارات می‌گوید، آن‌گاه پس از حدود دویست سال یعنی نزدیک به دو قرن بعد در سال‌های ۱۴۳۲ و ۱۴۳۳ ه. ق در کشور برزیل و در ایالت «ماتوگروسو» کتاب خبیارات شیخ انصاری رحمته الله توسط همکار ارجمند و فاضل ترجمه و شرح می‌شود و این شرح در یکشنبه سی‌ام آبان ۸۹ شمسی پایان می‌پذیرد و سپس ویرایش‌ها و اصلاحات مطبعی این کتاب در شهر رُم پایتخت ایتالیا و مقرّ پاپ اعظم در اروپا به تاریخ یکشنبه ۱۳۹۱/۳/۲۱ ه. ش مطابق با ۱۹ رجب ۱۴۳۳ هجری قمری در دیر و صومعه «سنت آنسلم» صورت می‌گیرد!

اگر مکان‌ها و تاریخ‌های فوق را با هم مقایسه کنید و در آنها به دقت نظر کنید، به نتایج خوبی می‌رسید. یکی از این نتایج این است که فقه از زندگی و زندگی از فقه جدا نیست. بشر در هر کجا باشد و در هر نقطه‌ای از زمین زیست کند، از فقه بی‌نیاز نیست

و با موضوعات و مسائل فقهی سر و کار دارد؛ چرا که فقه، آداب زندگی است. بله، در سفری که به اتفاق شش تن از فضلا و اساتید حوزه علمیه قم به کشورهای اروپایی ایتالیا، فرانسه و هلند داشتیم، با مسائل و موضوعات جدیدی روبه‌رو شدیم. انبوهی از مسائل فقهی و موضوعات جدید و مسائل مستحدثه برایمان مطرح شد. این سفر از تاریخ سه‌شنبه ۹۱/۳/۱۶ آغاز شد و تا تاریخ یک‌شنبه ۹۱/۳/۲۸ به مدت دو هفته طول کشید. این ۱۳ روز، زمان چندان طولانی‌ای نبود، اما از آن‌جا که ما در این فرصت، دائماً با شخصیت‌های فرهنگی و دینی و علمی سر و کار داشتیم و توجه ما تماماً بر مسائل و موضوعات علمی و مذهبی متمرکز بود، ثمرات بسیار خوبی برای ما داشت و تجربیات زیادی به دست آوردیم که ذیلاً در قالب چند نکته بدانها اشاره می‌کنم:

۱. همان‌گونه که اشاره کردم، فقه‌ما، فقه زندگی است، بدین معنا که مجموعه احکام و مقررات دینی ما برای این است که آدمی زندگی خودش را بر اساس آنها تنظیم کند و نهایتاً به سعادت و کمال برسد. از طرف دیگر، زندگی بشر دائماً دچار تحولات و دگرگونی‌هاست و هر روز مسائل جدید و موضوعات نوی برای بشر مطرح می‌شود. این نو شدن‌ها و تحولات و تغییرات باعث زندگی یعنی زنده بودن فقه می‌شود. بدین معنا که این موضوعات مستحدثه و جدید فقیه را دائماً وادار می‌کند که ببیند و بر اساس مبانی و اصول اجتهادی حرفی نو بزند و حکمی جدید و ناظر به موضوع جدید استنباط کند. این همان زنده بودن فقه است. سرزنده بودن فقه به همین است که فقیه با دنیای جدید آشنا شود و موضوعات را از نزدیک ببیند و با عرف و عرفیات زمان خود در مناطق و نقاط مختلف روبه‌رو شود و در میان مردم، موضوعات را لمس کند. پس فقه ما از سویی فقه زندگی است و از سوی دیگر، خود نیز در پرتو عملیات اجتهاد، با تحولات و نیازهای جدید، زندگی می‌کند و زندگی می‌یابد و

سرزنده می شود.

۲. در سفری که به پاریس، پایتخت فرانسه داشتیم، گفتگوهای زیادی با رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و با شخصیت‌های علمی و مذهبی و متکلمین مسیحی داشتیم. در این مباحثات و محاورات، از کم و کیف دانشگاه «سوربن» سؤال کردیم. جناب رایزن اظهار داشتند: اخیراً در دانشگاه سوربن، پایان‌نامه‌ای با عنوان «تفاوت مبانی فقهی آیت‌الله وحید خراسانی و آیت‌الله صافی گلپایگانی» با راهنمایی و مشاوره استادان این دانشگاه نوشته شده است! این خبر از چند جهت برای ما جالب بود: یکی این که دیدگاه‌ها و مبانی مراجع عظام ما - ایدهم الله تعالی - در مراکز علمی دنیا رصد می شود و مورد توجه قرار می گیرد و این نشانگر قوت علمی و فکری اندیشمندان بزرگ ماست.

نکته دیگر این که محققین و پژوهشگران خارجی، به دنبال موضوعات زنده و شخصیت‌های حی هستند و تمام وقت و عمل خود را به پژوهش در موضوعات مرده و «تاریخ مصرف گذشته» نمی پردازند! ما نیز در حوزه باید به موضوعات روز و ریز بیشتر عنایت داشته باشیم و بحث‌های مرده و غیرکاربردی و بی‌خاصیت را کنار بگذاریم و یا حداقل آنها را در اولویت تحقیق و پژوهش قرار ندهیم.

نکته دیگر این که امروزه باید حوزه علمیه را در نگاه جهانی ببینیم و رسالت خودمان را در مجموعه کلان بین‌المللی به درستی تشخیص دهیم و آنگاه در راستای انجام تکالیف حرکت کنیم.

۳. صاحب این قلم اگر قدرت داشت، فراگرفتن یک زبان خارجی (غیر از عربی و زبان ملی) را بر هر طلبه واجب می کرد و شهریه را بر طلبی که یک زبان خارجی نمی‌دانند، حرام می نمود! خداگواه است ما از اول تا آخر این سفر، ضرورت فراگیری و تسلط بر زبان‌های خارجی مثل انگلیسی، فرانسه، هلندی، ایتالیایی و... را همچون

احساس نیاز به آب و اکسیژن، لمس می‌کردیم و از سویی در درون خود احساس ذلت و شرمندگی داشتیم که چرا ما - همانند برخی علمای مسیحی که مسلط بر چندین زبان بودند - بر این زبان‌ها تسلط لازم را نداریم! بلاشک ما از حیث محتوا غنی هستیم، ولی زبان بیان را نداریم. سیرت ما خوب و زیباست، اما زبان ترسیم صورت را نداریم و این ضعف بزرگی است و همین ضعف ما باعث شده است که جهانیان از فرهنگ تشیع و معارف اهل بیت علیهم‌السلام به دور باشند. تاکی می‌خواهیم به خاطر عدم تسلط بر زبان‌های دنیا، جهانیان را از دسترسی به معارف ناب تشیع همچنان محروم نگه داریم؟!

مرحوم دکتر محمود بروجردی، داماد حضرت امام خمینی علیه‌السلام نقل می‌کند: در سال ۱۳۲۷ که در کلاس سوم دبیرستان تحصیل می‌کردم، پدرم به همه می‌گفت: محمود خودش رفته و اسمش را در دبیرستان نوشته است و من به او نگفتم که برود؛ زیرا در آن دوران برای نوه حاج میرزا مهدی جرم بود که به دبیرستان برود! در آن ایام یک شب حضرت امام آمدند منزل پدرم و نشستند پشت کرسی و از من پرسیدند: چقدر انگلیسی یاد گرفته‌ای؟ گفتم: می‌توانم حرف بزنام و امروز هم در کلاس یک سخنرانی به زبان انگلیسی داشتم. پرسیدند: در چه موردی؟ گفتم: در مورد سیر و سلوک و منطق الطیر. گفتند: بگو. من شروع کردم به فارسی مضمون سخنرانی را نقل کردم. فرمودند: نه، به انگلیسی بگو. گفتم: پس باید خیلی منظم بایستم. پشت کرسی از جا برخاستم و متن سخنرانی را که حفظ کرده بودم برای ایشان خواندم. ایشان با تبسمی از من استقبال کردند که باعث تشویق من شد. ایشان به این صورت یک جوان را نسبت به آموختن انگلیسی که حتی در آن دوران کسی جرئت نداشت درباره آن حرف بزاند، تشویق می‌کنند.^۱

۱. امام خمینی و اندیشه‌های اخلاقی و عرفانی، مجموعه آثار، ج ۱۳، ص ۸۵، ۱۳۸۲ ش.

آیت‌الله سید عزالدین زنجانی می‌گویند: مطلب دیگری که می‌خواستیم در مورد امام [خمینی رحمته] ذکر کنم، آگاهی و روشن بینی ایشان است که عقیده داشتند طلبه باید به یکی از زبان‌ها آگاه باشد. آن زمان‌ها زبان رایج بین‌المللی، زبان فرانسه بود. مرحوم والد، بنده را الزام می‌کرد که فرانسه بخوانم و مهمانانی که به خانه ما می‌آمدند، به هر کدام که احتمال می‌داد فرانسه می‌دانند، می‌گفت یک درس به من بدهند. روزی امام به منزل ما تشریف آوردند و کتاب‌های فرانسه مرا دیدند و بسیار تشویق کردند. این در حالی بود که من روزی در حضور یکی از شخصیت‌های علمی از انرژی صحبت کردم، گفتم: دیگر از این کفریات نگویند!! غرض، بیان تفاوت بین دو شخصیت است که یک قرن، بلکه چندین قرن است.^۱

حکایت مادر دنیای امروز، به فرموده مقام معظم رهبری - دام ظلّه العالی - حکایت کسی است که تعداد زیادی تمسک‌های طلای خود را در انباری گذاشته و قفل بزرگی بر درب انبار زده است و دائماً می‌گویند من آنم که این همه طلای زیبا دارم!! باید به چنین شخصی گفتم: این طلاها را از مخزن بیرون آور تا ببینیم و از آن لذت ببریم، و الا این همه طلای زیبا را در مخزن گذاشتن و برای همیشه بر درب آن قفل زدن، چه فایده‌ای دارد؟!

غرض آن‌که فقه و فلسفه و کلام و سایر علوم اسلامی ما وقتی به معنای واقعی زنده‌اند که در عرصه و چرخه تحولات و در جریان گفتگوها و محاورات و مناقشات جاری و عصری، واقع باشند و از سوی مجتهدان و متفکران عالم و آینده‌نگر دائماً مورد نقد و بازنگری و بازکاوی قرار گیرند و ناظر به حوادث واقعه، بیان گردند. بدون شک، کتاب و سنت و عقل، بالقوه پاسخگوی نیازهای فقهی و فکری بشر امروز هستند، اما فعلیت یافتن این قوه، وقتی است که مجتهدان و عالمان ما وارد صحنه

شوند و در عرصه‌های بین‌المللی خود را بیازمایند و کارورزی نمایند.
 به امید روزی که معارف ناب اهل بیت علیهم‌السلام دل‌های مشتاقان و علاقه‌مندان در
 سرتاسر جهان را تسخیر نماید و مکتب تشیع، به دست مجاهدان عالم و عالمان
 مجاهد، جهانگیر گردد.

کتاب حاضر، جلد یازدهم از ترجمه و تبیین کتاب شریف مکاسب است. پیش‌تر
 ترجمه و تبیین بحث‌های مکاسب محرمه و مباحث بیع در ده مجلد تقدیم شما
 عزیزان گردید. این مجلد و مجلدات ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ که در آینده منتشر می‌شوند،
 اختصاص به مباحث «خیارات» دارند.

از خدای مَنان طلب می‌کنم که ما را در خدمت به اسلام و معارف اهل بیت علیهم‌السلام
 توفیق روزافزون عطا فرماید. ان شاء الله

قم، محسن غرویان

تیرماه ۱۳۹۱